

## رویکرد و نحوه مواجهه امام خمینی (ره) با افراط‌ها و تفریط‌ها

(ارائه مقاله در بخش دانشجویی کنگره)

قدسی علیزاده<sup>۱</sup>

### چکیده

افراط به معنای از حد و اندازه تجاوز کردن، زیاده‌روی نمودن و تفریط به معنای کوتاهی و اظهار عجز کردن در کاری است. آنچه که بین این دو قرار می‌گیرد، یعنی میانه‌روی به معنای حد وسط کاری را در پیش گرفتن است. در رویکردها و حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی از جمله در حوزه دین، بعضی گروه‌ها و افراد با گرایش و دیدگاه افراطی و برخی با گرایش و دیدگاه تفریطی عمل می‌نمایند. «در حوزه فلسفه و معرفت‌شناختی و فهم دینی دو دیدگاه به‌طور عمده در طول تاریخ در تعارض و تقابل بوده و هستند. عده‌ای دیدگاه فردگرایانه به دین داشته و رسالت و تکالیف دینی را محدود به احکام فردی و عبادی می‌دانند و بر این باورند که کلیه احکام و مبانی عملی دین جنبه فردیت و منافع فردی و شخصی دارد و در نهایت یک نگاه حداقلی به دین دارند. از یک سو خاستگاه فکری این جریان را می‌توان در قالب متحجرین ریشه‌یابی کرد. و از سوی دیگر جریان رویکرد حداقل دینی را افراد متجدد و روشنفکر مآب تشکیل می‌دهند که به مدل اندیشه‌های سکولار گرایش پیدا کرده‌اند. اما نگاه دوم، یعنی دیدگاه جمع‌گرایانه و حداکثر دینی بر این باور است که احکام و مبانی عملی اسلام دارای دو بُعد فردی و اجتماعی بوده و برای همه ابعاد نیازهای انسان اعم از بعد مادی و معنوی متناسب با مقتضیات زمان دارای برنامه می‌باشد و به‌طور متعادل همه نیازهای مادی و روحی انسان را در بر می‌گیرد.» (مزروعی، بی‌تا).

در باب دوری از افراط و تفریط در هر امری، به ویژه در امر دین و دینداری سخن‌ها رفته است. برای درک عمیق اعتدال و میانه‌روی در دینداری بهترین الگویی که بتوان سرلوحه عمل قرار داد، اندیشه‌ها و عملکرد امام خمینی (ره) می‌باشد. چرا که اندیشه، گفتار و اعمال ایشان ملهم از آیات قرآن و سیره ائمه (ع) بود و خط‌مشی‌های او را برنامه‌های دینی تنظیم می‌نمود.

در این تحقیق برآنیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم:

۱- چه گروه‌ها و افرادی به سمت افراط و تفریط در دین رفته‌اند؟

۲- اعتدال از نظر امام (ره) چیست؟

۳- امام (ره) چه نظر و برخوردی با این گرایش‌ها داشته‌اند؟

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

در این مقاله سعی شده است که رویکرد و نحوه مواجهه امام (ره) با افراط‌ها و تفریط‌ها که در قالب بیانات و رهنمودها به مناسبت‌های مختلف بیان شده، همچنین انتقاد از برخی جموداندیشان و متحجرین و مقدس‌نمایان، سیره صبر و مدارای ایشان در برابر برخی مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها و ... بررسی شود.

روش مطالعه در این مقاله به صورت اسنادی می‌باشد.

امام خمینی (ره) با هوشیاری منحصر به فرد، با درک عمیق از دین، با استفاده از معارف دست اول آن (قرآن و اهل بیت)، همچنین با توجه به تجارب گذشته، با درک نیازها و تحولات جامعه و در شرایط مناسب تاریخی، در جهت پیوند فرهنگ و تفکر جامعه معاصر با فرهنگ و تفکر گذشته و تاریخی، به احیای دیانت اسلام راستین در وجوه سیاسی و اجتماعی، فردی و جمعی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی، همت گماشتند و احیاگر بزرگ اسلام در عصر حاضر شدند. ایشان افراط و تفریط را مذموم و عدالت که حد وسط این دو است را از امهات فضایل می‌دانند. (امام خمینی، ۱۳۸۶ب، ص ۱۴۷)

**واژگان کلیدی:** امام خمینی، افراط، تفریط، دینداری، تحجر، سکولار.

## مقدمه

بی‌گمان زیاده‌روی و کوتاهی که از آن به افراط و تفریط یاد می‌کنند از نظر بیشتر مردم امری ناپسند و زشت است. از این‌رو همواره به دیگران سفارش می‌شود که از زیاده‌روی و کوتاهی کردن در هر کاری پرهیز شود. به نظر می‌رسد که این سفارش حکم عقلانی باشد. چنان‌که به‌کارگیری هر چیزی برای کار خاص خود می‌تواند به مفهوم عدل نزدیک باشد. کسی که رویه اعتدال نداشته باشد رفتاری صالح نداشته و گرایش به فساد دارد؛ افراط و تفریط به‌ویژه در دین امری ناپسندتر است؛ چرا که چنین رفتارهای افراطی و تفریطی ناآگاهانه، زمینه‌ساز دین‌گریزی عده‌ای شده و همچنین ایجاد فرصت برای مخالفان و معاندان دین و دینداری را فراهم خواهد آورد. به‌واسطه برداشت‌ها و تفسیرهای متعددی که از دین و دینداری شده است، ضرورت وجود الگویی معتبر و قابل دسترس و مطابق با زمان، برای شناخت صحیح دین، احساس می‌شود. مهمترین معتبرترین منبع و الگوی قابل دسترس و معاصری که بتوان به عنوان یک الگوی عملی در این زمینه مورد توجه قرار داد خط مشی‌ها و رفتارهای امام خمینی (ره) می‌باشد، چرا که ایشان مصداق واقعی اسلام راستین و رهنمون‌کننده به سوی صراط مستقیم بوده و دقت در گفتار و سیره ایشان نجات‌بخش از بیراهه‌های افراط و تفریط در دین می‌باشد. همچنین توجه به رهنمودهای فرهنگی امام راحل می‌تواند یکی از مناسب‌ترین راه‌های دستیابی به مقصود باشد. چرا که افراط و تفریط در دین خصوصاً اسلام نه تنها موجبات قرب الهی و کمال را در پی نخواهد داشت، که ضلال و گمراهی ثمره آن خواهد بود. از ویژگی‌های بینش اسلامی امام (ره) آن بود که اسلام را با تمام ابعادش می‌دیدند و می‌شناختند و به کار می‌بستند و هر کاری را در جای خودش انجام می‌دادند، عبادت به جای خود، مسائل سیاسی، اجتماعی، اخلاقی به جای خود و همچنین اسلام را در همه جوانب زندگی خود لحاظ می‌نمودند و حفظ اسلام را نیز در رأس واجبات می‌دانستند (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۸۶). متأسفانه در شناخت اسلام و حقایق اسلامی انحرافات و وجود آمده است، افراد و گروه‌هایی ظهور کرده‌اند که اسلام را فقط در یک بُعد مدنظر قرار داده و فقط در همان یک بُعد خلاصه نموده و به کار می‌بندند

و غیر آن را انحراف و گمراهی می‌پندارند. با داشتن الگو و اسوه کاملی چون امام (ره) می‌توان حقیقت دین را یافت و به کار بست و راه فلاح و رستگاری را جست؛ به بیان پاره تن امام (ره) شهید مطهری، «امام خمینی حسنه‌ای است که خداوند به قرن و روزگار ما عنایت فرموده است...».

## تعاریف

افراط به معنای زیاده‌روی نمودن و تفریط به معنای کوتاهی در کاری است. و میانه‌روی به معنای حد وسط کاری را در پیش گرفتن است (عمید، صص ۲۰۸-۲۰۹-۴۴۶). از این رو می‌توان یک نوع رابطه منطقی میان میانه‌روی، اعتدال و اصلاح یافت. به این معنا که هر کار معتدلی صالح و درست است و هر کار غیرمعتدلی فاسد می‌باشد. اصلاحات به معنای بازسازی کاری است که به جهت فقدان اعتدال به فساد گراییده است. در قرآن برای بیان مفهوم اعتدال از واژه قصد استفاده شده است. البته واژگانی چون وسط و سواء و حنیف نیز به این معنا به کار رفته است؛ ولی بیشترین کاربرد در مفهوم و اصطلاح گفته شده را می‌توان در واژه قصد و اقتصاد یافت. از این روست که در روایات اسلامی به پیروی از قرآن از واژه قصد برای بیان اصطلاح اعتدال استفاده شده است. در آموزه‌های قرآن، اقتصاد و اعتدال در هر امری پسندیده شمرده شده و بسیاری از آموزه‌های دستوری قرآن، برای ایجاد اعتدال در قوای انسانی و مهار و کنترل و هدایت آنها به سوی اعتدال وارد آمده است. در ارزش و اعتبار اعتدال و میانه‌روی، همین بس که راه راست در قرآن به عنوان راه میانه یاد شده است و در سوره قصص آیه ۲۲ از زبان حضرت موسی (ع) این آرزو بیان می‌شود که راه میانه، راه درست هدایت است و از این رو می‌فرماید: «قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل؛ حضرت موسی (ع) فرمودند: شاید پروردگار مرا به راه میانه و اعتدال راهنمایی و هدایت کند.» حتی حضرت ابراهیم دین خویش را دین اعتدال و میانه‌روی برمی‌شمارد و از آن به حنیف یاد می‌کند تا بفهماند که میانه‌روی تا چه اندازه اصالت داشته و مهم است. خداوند در بیان ویژگی‌های دین ابراهیمی که از اصالت خاصی برخوردار است می‌فرماید: «ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا و لکن کان حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین؛ ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه او بر دین معتدل اسلام بود و از مشرکان نیز نبود» (آل عمران ۶۷). در بیانات علی (ع) آمده است: «آنکه راه میانه را پیش گیرد، بستایندش و آنکه راه راست یا چپ را پیش گیرد، روش وی را زشت شمارند و از تباهی‌اش برحذر دارند.» یا «میانه‌رو باش، و از زیاده‌روی دست بردار». همچنین «آنکه میانه‌روی گزید، درویش نگردید» و... (نهج البلاغه، خطبه‌های ۹۴، ۱۰۳، ۱۹۵ و ۲۲۲، و نیز نامه‌های ۲۱ و ۳۱ و حکمت ۱۴۰).

از آن‌جا که در این مقاله سعی شده است رویکرد امام (ره) با افراط و تفریط در دین بررسی شود تعریف دین را به‌طور خلاصه بیان می‌داریم، دین همان مجموعه تعالیم و سیره قولی و عملی صاحبان دین برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت را گویند. تحلیل و تفسیر امام خمینی (ره) در این باب این است که دین به مجموعه قوانینی گفته می‌شود که در راستای سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تدوین و تنظیم شده است.

## افراط و تفریط در دین و مؤلفه‌های آن

در طول تاریخ، در فهم دین، دو رویکرد در تقابل با یکدیگر هستند. یک رویکرد فردگرایانه که تکالیف دینی را محدود به احکام فردی و عبادی می‌داند و یک نگاه حداقلی به دین دارند که در یک سوی این دیدگاه متحجرین و در سوی دیگر، روشنفکران و متجددان با اندیشه‌های سکولار قرار دارند. اما دیدگاه دوم نگاه حداکثری به دین دارند و اعتقادشان بر این است که احکام اسلام هم دارای بُعد فردی و هم بُعد اجتماعی است و به‌طور کلی همه نیازهای انسان اعم از مادی و معنوی را به‌طور متعادل در نظر می‌گیرد.

برخی اسلام و دین را در عبادت، نماز، روزه، و شناخت مسائلی چون طهارت، نجاست و غیره می‌دانند و در نظر آنان، دینداری فقط توجه به احکام عبادی و فردی است و اگر افراد در امور اجتماعی دخالت نمایند نشان‌دهنده انحراف از دین و بی‌دینی است. چنان‌که قبل از انقلاب روحانی که دم از حکومت اسلامی می‌زد. «گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده بود و کلمه آخوند سیاسی موازن با آخوند بی‌دین شده بود...» (امام خمینی، وصیت نامه سیاسی - الهی، ص ۵). گروه دیگر گروهی هستند که یا دین را قبول ندارند و یا دین را موضوعی فردی دانسته و در عرصه‌های اجتماعی، جایگاهی برای دخالت دین نمی‌شناسند و خواهان جدایی دین از حوزه اجتماعی به ویژه سیاست هستند. امام (ره) شرط اسلام‌شناسی را توجه به جهات مادی و معنوی به طور همزمان می‌دانند و در نفی افراط و تفریط در حوزه دین می‌فرمایند: «این دو طایفه که یک طایفه طرف معنویت را گرفته‌اند و طرف اجتماع را رها کردند و این طایفه طرف اجتماع و علم سیاست و علم - نمی‌دانم - این معانی را دارند و آن طرف را رها کردند؛ این دو، نه این اسلام‌شناس است، نه آن اسلام‌شناس است. اسلام‌شناس کسی است که این دو مطلب را، این دو جبهه را، هم جبهه معنوی را بشناسد هم جبهه ظاهری را، یعنی هم اسلام را بشناسد به آن جهات معنوی که دارد و هم اسلام را بشناسد به این جهات مادی که دارد، کسی که اسلام را بخواهد بشناسد باید به این‌چور بشناسد؛ یعنی آیات و روایاتی و احکامی که وارد شده است راجع به جهات معنوی، این‌ها را بشناسد تا آن اندازه‌ای که می‌داند؛ و آیات و روایات و عرض می‌کنم، احکامی که وارد شده است برای تنظیم امور جامعه و برای امور سیاسی و برای امور حکومتی، این‌ها را هم بشناسد. کسی که این دو جنبه را شناخت به اندازه‌ای که انسان می‌تواند بفهمد، این اسلام را شناخته.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۹۱-۱۹۰)

## گروه‌های افراط‌گرا در دین

بعضی که به سمت خلافت اسلامی در حرکت هستند و با نقش مردم در حکومت اسلامی مخالف می‌باشند این‌ها همان متحجران‌اند. تحجر به معنای سنگ‌شدن، سخت‌شدن و به صورت سنگ درآمدن است (عمید، ص ۴۱۵) ولی در اصطلاح به معنی ایستائی، جمود، سختی نشان دادن و مقاومت در برابر هر نوع تحول و هر امر تازه‌ای است. تحجر یک ویژگی فرهنگی - اجتماعی است که کم‌وبیش در آشکال و قالب‌های گوناگون شکل می‌گیرد. تعصب‌های جاهلانه، تعلقات قبیله‌ای و ملی، عدم درک حقایق و سنت‌های حاکم بر حرکت جوامع، از عوامل شکل‌گیری و پایداری تحجرند؛ ولی مهم‌ترین عامل تحجر، عدم تفکیک بین اصول و پایه‌های ثابت و ضرور زندگی بشر با جنبه‌های متغیر و متحول آن است. تحجر، برخاسته از عادات، آداب،

راهکارها، روش‌ها و قالب‌ها است. گاه ممکن است در دریافت و درک سنت‌های تشریحی و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها، تحجر حاکم شود و حتی برخی سنت‌ها را از کارکرد حقیقی خود در تعالی و رشد انسان‌ها بازدارد. متأسفانه گاه، سنت‌های پویا و تحول‌آفرین دینی، تحت تأثیر تحجر، به ابزارهای ضددینی تبدیل شده و زمینه‌ساز دین‌گریزی می‌شوند.

امام خمینی در مورد تلاش‌ها و کوشش‌هایی که متحجران انجام داده‌اند بیان می‌دارند: «شیفتگان تحجر گرچه فراوان کوشیده‌اند تا دست اندیشه را از دامان دیانت دور داشته و دین را رازی سر به مهر و دست نیافتنی بیان‌کنند، لیکن همت اندیشمندانی سترگ، هم‌آغوشی عقل و دین را نوید فرموده و حاصل تلاش پیام‌آوران وحی را از خرافات بی‌خردان پیراسته و شریعت را در کنار حکمت جاودانه ساخته است.» (امام خمینی، تقریرات فلسفه، ص ۵).

ایشان با اشاره به سخنان عارفانه حضرت امام حسن عسکری (ع) در مورد راه وصول به لقای حق، به نکاتی چند در سخنان آن امام معصوم (ع) اشاره می‌نمایند که یکی از آن نکات این است: «وصول به لقای خدا با حرکت و سلوک است نه با سکون و تحجر» (امام خمینی، ۱۳۸۷ الف، ص ۱۲).

مقدس‌نمایان از جمله دیگر این افراد هستند که طیف وسیعی از روحانی‌نمایان بی‌تقوا، متظاهر، بی‌درد، عافیت‌طلب و دنیاطلب را شامل می‌شوند، که در مورد آنان می‌فرمایند: «افکار جماعتی است که به "مقدسین" معروفند؛ و در حقیقت "مقدس‌نما" هستند نه مقدس. باید افکار آنها را اصلاح کنیم، و تکلیف خود را با آنها معلوم سازیم؛ چون این‌ها مانع اصلاحات و نهضت ما هستند و دست ما را بسته‌اند» (امام خمینی، ۱۳۸۷ ج، ص ۱۴۴).

ایشان اسلام مقدس‌نمایان و متحجران را با اسلام ناب محمدی (ص) متفاوت می‌دانند و از این‌که مرز بین آن‌ها مشخص نیست تأسف می‌خورند، چنان‌که می‌فرمایند: «متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین "اسلام امریکایی" و "اسلام ناب محمدی" و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۲۰-۱۲۱). گروه‌هایی که امروزه در این مقوله قرار می‌گیرند و به طور اخص از آنها می‌توان نام برد، وهابیت، القاعده، طالبان و... می‌باشند.

### گروه‌های تفریط‌گرا در دین

گروه دیگری که دارای نگاه حداقلی به دین هستند و دین را امری فردی، محدود به فرد و خداوند می‌دانند و از مدافعان عدم دخالت دین در حوزه‌های اجتماعی هستند، صاحبان اندیشه سکولار می‌باشند. سکولاریزم (Secularism) به صورت کلی به مفهوم ممانعت از دخالت دین در تمامی امور عمومی جامعه است. در مفاهیم جامعه‌شناسی، سکولاریسم به هر موقعیتی که در آن، جامعه مفاهیم مذهبی را در تصمیم‌گیری‌های خود کمتر دخالت دهد و یا این مفاهیم، کمتر موجب بروز اختلاف و یا درگیری گردد اطلاق می‌گردد. (دهخدا، لغت نامه)

یکی دیگر از عوامل انحراف و سقوط قدرت مسلمین، تلقی جدا بودن دین از سیاست و ترویج آن است. لازم به ذکر است که ریشه چنین تفکری به اروپا و به پایان قرون وسطی برمی‌گردد. و پیدایش این تفکر در اروپا به منظور تقلیل و یا از بین بردن قدرت کلیسا و نیز فلسفه «اسکولاستیک» حاکم بر آن بود. بدیهی است وارد کردن چنین تفکری در فرهنگ اسلامی سزاوار نبوده و امری نابخردانه است؛ چرا که اولاً، اسلام مانند مسیحیت موجود، در تبیین جهان و قبض و بسط علم، متحجرانه برخورد نکرده است. ثانیاً، در ایدئولوژی و حکمت عملی هم، روش مسیحیت را که تنها به حوزه اخلاق پرداخته و از حوزه‌های گوناگون دیگر غفلت کرده بود، نپذیرفته است و علمای اسلام نیز مانند علمای مسیحیت نبوده‌اند. در هر حال، جامعه مسیحیت برای کاستن مشکلات خود، سکولاریسم که همان دنیایی کردن دین و یا جدایی دین از سیاست است را دامن زدند و با انگیزه‌های سیاسی به پخش و نشر آن پرداختند. متأسفانه جوامع مسلمین نیز از خطر این نوع تفکر در امان نماندند و بعضی از علمای حکومت‌های مسلمین و نیز بعضی از روشنفکران وابسته، به ترویج و اشاعه این تفکر نامیمون در جوامع دینی پرداختند و اثرات نامطلوب آن هم بر این جوامع و جامعه اسلامی ایران هویدا گردید و این خود، ضربه سنگینی بر پیکره قدرت سیاسی اسلام وارد کرد که حضرت امام خمینی (ره) به مبارزه با این تفکر برآمد و بارها و بارها بر عدم جدایی دین از سیاست و منحرف بودن کسانی که به این قضیه دامن می‌زنند، به طور صریح اشاره فرمودند. (رضایی مهر، بی تا) و بیان می‌دارند که اسلام دین سیاست است:

«اسلام با تمام شئونش دین سیاست است و این مطلب برای هر کسی که مختصر تدبیری در احکام حکومتی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام داشته باشد، آشکار می‌شود؛ پس هر که خیال کند که دین از سیاست جدا است، نادان است که نه اسلام را شناخته و نه سیاست را» (امام خمینی، ۱۳۸۶ الف، ص ۲۶۵).

همچنین می‌فرماید: «طایفه دوم که نقشه موزیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند، باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول‌الله - صلی الله علیه و آله - آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی - سیاسی است که غفلت از آنها، این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد، مثل سایر حکومت‌های جهان؛ لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. و خلفای اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابی طالب - علیه السلام - نیز با همان انگیزه، به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر، از واضحات تاریخ است. و پس از آن به تدریج حکومت به اسم اسلام بوده و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - بسیارند» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۶).

### رویکرد امام (ره) در مواجهه با افراط و تفریط در دین

توجه به بیانات و رهنمودهای امام (ره) در مورد حقیقت دین و همچنین برخی رفتارهای ایشان در برخورد با گروه‌هایی که در نگرش به دین، دچار افراط و تفریط شده‌اند، بارزترین مقیاس و شیوه نیل به سعادت دنیا و آخرت و بهبود حیات مادی و معنوی انسان خواهد بود. شیوه برخورد امام (ره) با جریان‌های افراط و تفریط در دو بُعد نظری و عملی قابل بررسی می‌باشد.

## بُعد نظری

حقیقت دین از دیدگاه امام خمینی (ره) نشأت گرفته از متون دینی است که همانا سعادت دنیا و آخرت، بهبودی حیات مادی و معنوی و صلاح و آرامش روحی و جسمی همه انسان‌هاست، که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین کند و هم آفات کمال آخرت را بزداید. پس مصالح بندگان در دنیا و آخرت در متن دین نهفته است. لذا امام در مورد تلقی و برداشت قشری و سطحی از متون دینی که آن را بر دو محور خدا و آخرت محصور می‌کند و آن همه تعالیم اخلاقی و اجتماعی در امور دنیوی را نادیده می‌انگارد، با ژرف‌نگری خاص فرموده‌اند: اسلام دینی نیست که برای یک طرف قضیه فکر کرده باشد، اسلام همه اطراف قضایا را بیان کرده است؛ تمام احکام مربوط به دنیا و مربوط به سیاست، مربوط به اجتماع و اقتصاد و تمام قضایایی که اهل دنیا از آن بی‌اطلاع هستند (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۸).

در طول تاریخ شاید بیشترین افراط و تفریط در موضوع دین از سوی عارفان و عالمان دینی صورت گرفته باشد. لذا با این‌که امام (ره)، فیلسوف و عارف و مفسر به معنای واقعی کلمه بوده‌اند، ولی شدیدترین انتقاد را از آنان مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: بسیاری از زمان‌ها بر ما گذشت که یک طایفه‌ای از فیلسوف و عارف متکلم و امثال ذلک که دنبال همان جهات معنوی بودند این‌ها معنویات را گرفتند. وقتی دنبال تفسیر قرآن رفتند اکثر آیات را به جهات عرفانی و فلسفی و معنوی برگرداندند و به کلی از حیات دنیایی و جهاتی که در این‌جا به آن احتیاج است و تربیت‌هایی که در این‌جا باید بشود غفلت نمودند؛ به حسب اختلاف مسلک‌شان رفتند به دنبال همان معانی بالاتر از ادراک عامه مردم (همان، ج ۳، ص ۲۲۱).

ایشان در محدود کردن دین به امور شخصی شدیداً مخالف و ورزیده و بیش از آنکه به جنبه فردی دین توجه داشته باشد به ابعاد اجتماعی آن اهتمام دارند و در مقابل آنان که با تنگ‌نظری، دین الهی را مورد تحلیل خود قرار می‌دهند شدیداً می‌تازند و می‌فرمایند: دین الهی دارای دستورات جامعی است که کلیه ابعاد مادی و معنوی بشر را شامل می‌شود؛ تعالیمی که علاوه بر فنی ساختن انسان در بُعد روحانی، در مادیات هم او را غنی می‌سازد. «اسلام علاوه بر این‌که بشر را در روحیات غنی می‌کند، در مادیات [هم] غنی می‌کند. اسلام دین سیاست است قبل از اینکه دین معنویات باشد. اسلام همان‌طوری که به معنویات نظر دارد و همان‌طوری که به روحیات نظر دارد و تربیت دینی می‌کند و تربیت نفسانی می‌کند و تهذیب نفس می‌کند، همان‌طور [هم] به مادیات نظر دارد و مردم را تربیت می‌کند» (همان، ج ۶، ص ۴۶۷).

همچنین ایشان در فضیلت عدالت و مذمت افراط و تفریط نیز می‌فرمایند: «هر یک از دو طرف افراط و تفریط مذموم است. پس عدالت که حد وسط و تعدیل بین آن‌هاست، عدالت، حد وسط بین افراط و تفریط و از امهات فضائل اخلاقی است، بلکه عدالت مطلقه، تمام فضائل باطنی و ظاهری است» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۱). مطابق این تعریف، عدالت، همه فضیلت خواهد بود نه جزئی از آن...؛ و همچنین ایشان اعتدال و حد وسط در دین را دین اسلام می‌دانند و می‌فرمایند: اسلام خود حد وسط است. اسلام مبین می‌کند که حد وسط چیست و این مخالف با هیچ چیزی نیست (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۹۵).

همچنین صراط مستقیم را همان دین و اسلام معرفی می‌نمایند و با اشاره به حدیثی از پیامبر (ص) راه مستقیم را راه وسط می‌دانند:

«...تفسیر شده است "صراط مستقیم" به "دین" و "اسلام" و امثال آن... مقصود از "هدایت" راهنمایی، و از «صراط مستقیم» نزدیک‌تر راه وصول الی‌الله است، که آن راه رسول‌الله و اهل بیت او است؛ چنانچه تفسیر شده است به رسول خدا و ائمه هدی و امیر المؤمنین علیهم الصلاة والسلام. و چنانچه در حدیث است که رسول خدا خطی مستقیم کشیدند و در اطراف آن خطوطی کشیدند و فرمودند: "این خط وسط مستقیم از من است." و شاید "امت وسط" که خدای تعالی فرموده: جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا وَسَطِيَّتْ بِه قَوْل مَطْلُوق و به جمیع معانی باشد،... و لهذا این مقام اختصاص دارد به کمال از اولیاء الله... چنانچه حضرت باقر علیه‌السلام به یزید بن معاویه عجلای می‌فرماید: "ماییم امت وسط، و ماییم شهداء خدا بر خلق." و در روایت دیگر فرماید: "به سوی ما رجوع کند غالی و به ما ملحق شود مقصر." (امام خمینی، ۱۳۸۷ الف، ص ۲۸۷-۲۸۸).

یکی از معضلات عمده در باب دین و اندیشه اسلامی، متحجرین، مقدس‌نمایان و سکولاریسم... می‌باشند که امام بارها در مناسبت‌های گوناگون خطرات افراط و تفریط در دین، توسط این گروه‌ها را گوشزد نموده و به‌طور مستقیم مردم را نسبت به آنها آگاه و هوشیار می‌نمودند. «مقدس‌نماها، روشنفکر مآب‌ها و منافقان، مثلث تزویر و ریا... آن آدم مقدس‌مآبی که تسیح هم دستش گرفته است و می‌گوید به اسلام هم من خدمت می‌کنم» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۳۴)، و در اصل «هنر امام شکستن دیوار تحجر و تزویر بود» (خمینی، سیداحمد، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹).

امام بارها اعلام می‌دارند دین اسلام دین سیاست است، جنبه‌های اجتماعی آن را مد نظر قرار داده و بر آن تأکید دارند.

«اسلام پیشرفته‌ترین حکومت را دارد» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۰۴).

«اسلام، دین سیاسی است» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۶۸).

«اسلام دین سیاست است، حکومت دارد» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۳).

متحجران که امام بارها از آنان ابراز انزجار کرده و در پیامشان به روحانیون فرمودند:

خون دلی که پدر پیرتان از این گروه خورده، از هیچ گروهی نخورده است. از نظر امام مبارزه با این گروه

[متحجران] بسیار سخت‌تر از مبارزه با جریان سکولار است (همان، ج ۲۱، ص ۲۷۸).

مبارزه با متحجرین واپس‌گرا قربانی می‌خواهد و می‌فرمودند:

«امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می‌خواهد و دعا کنید من نیز یکی

از قربانی‌های آن گردم» (همان، ج ۲۱، ص ۱۶۰)

«اگر بر فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی‌نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و

مردم را چه می‌دهد» (همان، ج ۲۱، ص ۲۸۷).

در لزوم مقابله با مقدسین روحانی‌نما می‌فرمایند:



«آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمومنین (ع) که در تاریخ روشن است» (همان، ج ۲۱، ص ۲۸۰).

«امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط‌و‌خال کوتاهی نکنند. این‌ها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول‌الله» (همان، ج ۲۱، ص ۲۷۸).

همچنین در لزوم مقابله با اسلام قشری و مسلک وهابیت می‌فرمایند: «ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت‌های بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محال تبلیغات مذهب ضد قرآنی می‌کند و وهابیت این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرت‌ها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کند» (همان، ج ۲۱، ص ۳۹۶) و نیز در توصیه‌هایی که به فرزندان شاهد دارند، آنان را به تحصیل علم تشویق می‌نمایند تا بدین وسیله، ظلمت تحجر و مقدس‌مآبی را از اسلام بزدایند؛ که نشان‌دهنده شدت احساس خطر ایشان از ناحیه این گروه‌ها بوده است. «با چراغ علم و عمل و تقوا ظلمت نفاق و کج‌فکری‌ها و تحجرها و مقدس‌مآبی‌ها را از دامن اسلام بزدایید» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳۷).

در لزوم مقابله با شعار جدایی دین از سیاست می‌فرمایند: «القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد. یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند» (همان، ج ۲۱، ص ۲۷۸).

امام با درک این مطلب که منحرفین عقاید و افکار مردم به خصوص جوانان را به سمت سکولاریسم سوق خواهند داد می‌فرمایند:

از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به این‌که احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر معاصر، کشورها را اداره کند؛ یا اینکه اسلام دین ارتجاعی است و این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه و شیطنت‌آمیز به‌گونه طرفداری از قداست اسلام که دین ادعیه و اذکار و عبادات است و انسان را از دنیا دور کرده و به خدا نزدیک می‌کند و سیاست و حکومت برای تعمیر دنیاست مخالف مسلک انبیا می‌باشد صورت می‌گیرد. (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۴-۴۰۵) و این‌گونه توصیه می‌نمودند که «همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید تا به سعادت دنیا و آخرت نایل آید» (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۱).

«همه قشرهایی که ... متعهد به اسلام هستند وظیفه بزرگی داریم و آن این‌که اسلام را آن طوری که هست، آن طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، آن طوری که در روایات و در قرآن ما هست، آن طور به مردم ارائه دهیم» (همان، ج ۱۸، ص ۳۶۴)، و نیز در جای دیگر بیان می‌دارند:

«بیابید اسلام عزیز را از دانشمندان آشنا به منطق قرآن بشنوید و در آن چیزی را که بالاتر از آمال و افکار شماسست بیابید و گول مبلغان استعمارگران را مخورید» (همان، ج ۳، ص ۴۸۴).

«اگر اسلام را آن طوری که هست به دنیا معرفی کنند و آن طوری که هست عمل بکنند، سیادت با شماسست، بزرگی با شماسست: لله العزه و لرسوله و للمومنین» (همان، ج ۲، ص ۳۵).

### بُعد عملی

در بُعد عملی، مهمترین اقدامی که امام (ره) در این زمینه انجام دادند مقابله با رژیم منحوس پهلوی بود. بدین صورت نشان دادند نه تنها دین از سیاست جدا نیست بلکه فعالیت‌های اجتماعی و ایجاد حکومت صالح جزئی از دین و از انجام واجبات و فرائض آن می‌باشد. ایشان با وجود مخالفت‌هایی که از ناحیه انواع دشمنان داخلی و خارجی داشتند، با شجاعت تمام دست از مبارزه برنداشتند و این خود مهمترین مواجهه ایشان با افراط و تفریط در دین را نشان می‌دهد.

بعضی را گمان بر این است که اتصال به خدا و یاد او تنها با ذکر و ادعیه و تسبیح گرداندن است در حالی که امام با این که دائم‌الذکر بودند و قلبی مطمئن به یاد خدا داشتند اما هیچ‌گاه دیده نشد که تسبیح بگردانند و یا لب‌هایشان به ذکر حرکت کند (سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام، ص ۹۶). همچنین علی‌رغم توجه و اهتمام ایشان به زیارت، دعا و عبادت، از امور اجتماعی و تلاش در رفع گرفتاری‌های مردم و خدمت به خلق غافل نبودند؛ به نقل از یکی از علما «ایشان دعا و زیارتشان را مختصر می‌کردند تا زودتر به منزل برگشته چایی آماده می‌کردند تا از همسفرانش در بازگشت از حرم پذیرایی نمایند و ثواب آن را کمتر از ثواب دعا و زیارت نمی‌دانستند» (همان، ص ۹۸). امام (ره) به تهجد، سحرخیزی و نماز اول اهمیت بسیار می‌دادند، حتی در گرمای بالای نجف، روزی ۱۸ ساعت روزه می‌گرفتند؛ با این حال بعد از به جا آوردن نماز مغرب و عشا و نوافل افطار می‌کردند، اما در غروب روزی که خبردار می‌شوند رژیم بعث عراق چند نفر از مردم بی‌گناه عراق را می‌خواهند اعدام کنند نماز جماعت را تعطیل و نماز اول وقت را به تعویق می‌اندازند تا بتوانند جان چند نفر بی‌گناه را نجات دهند (همان، صص ۹۹-۹۸).

درباره برخورد با ملی مذهبی‌ها در خاطره‌ای که از ایشان نقل شده این‌طور آمده است که: «یک‌بار یک نفر به امام می‌گویند این‌ها مسلمان نیستند چون شما را قبول ندارند؛ امام در جواب می‌فرمایند مگر من اصول دین هستم که مرا قبول داشته باشند بسیاری از مردم دین دارند اما من و شما را قبول ندارند.» (سخنرانی امام جمارانی در عید فطر، شهریور ۱۳۸۸).

امام (ره) در برخورد با بعضی از این گروه‌ها، روش مدارا را در پیش گرفتند و با هرگونه اقدام جدی علیه آنان مخالفت نمودند و صرفاً ممنوعیت حضور آنان را در حاکمیت مورد توجه قرار دادند. اما در مقابل افرادی که ادعای ارتباط با ائمه را داشتند به تندی برخورد می‌کردند و مدارا را جایز نمی‌دانستند.

## نتیجه‌گیری

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت دین، آن‌هم دین اسلام، نه دین افراط است نه دین تفریط؛ نه دین زیاده‌روی در عبادت، اقتصاد، سیاست و اجتماع است و نه دین کوتاهی کردن در این مسائل؛ در همه امور میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کند. امت اسلامی نیز از خدا می‌خواهند که ایشان را از اسراف (کهف آیه ۲۸) و افراط (مائده آیه ۳۲) حفظ کند؛ چرا که عامل تباهی، فساد و طغیان است (یونس ۸۳ دخان ۳۱). حتی در عبادت راه میانه رفته و بر خود سخت نمی‌گیرند و خود را به رنج نمی‌افکنند (طه ۳-۱)؛ چرا که گوشه‌گیری و رهبانیت از آموزه‌های دین اسلام نیست. پس برای یافتن راه درست باید اسلام را به درستی، آگاهانه، دقیق و با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن، احادیث، روایات و بزرگانی چون امام (ره) شناخت و از هر گونه غرض‌ورزی، برداشت‌های شخصی و منفعت‌طلبانه از دین و احکام آن دوری جست. آن‌چنان‌که امام خود به عنوان یک انسان وارسته و یک اسلام‌شناس واقعی، که اسلام را بر اساس معارف دست اول، آیات قرآن، و کلام معصومین به درستی شناخته بودند توصیه به شناخت واقعی اسلام می‌نمودند و نیل به سعادت دنیا و آخرت را در وفاداری به اسلام و احکام آسمانی آن می‌دانستند. از نظر ایشان اساساً دین برای اصلاح امور دنیوی و فلاح و رستگاری حیات اخروی تشریح شده و هرگونه تعطیلی احکام دین در شأنی از شئون فردی و اجتماعی انسان‌ها، تصور غلط و تلقی ناصوابی از حقیقت دین است. ام‌الفضائل را راه میانه و اعتدال و به دور از هرگونه افراط و تفریط می‌دانند که این هر دو به فساد تمایل دارد. راه وسط و میانه را نیز در اسلام، آن‌هم اسلام واقعی و آن‌طوری که هست، بیان می‌دارند. سروری و سیادت را نیز در گرو عمل به اسلام واقعی می‌دانند. تمامی توصیه‌های ایشان در جهت شناخت واقعی اسلام و به کار بستن آن در تمامی ابعاد زندگی، توصیه در جهت هرگونه دوری از راه میانه و گرایش به بیراهه‌های افراط و تفریط می‌باشد؛ باشد که با سر لوحه عمل قرار دادن پندها و رفتارهای ایشان و شناخت درست از دین، سروری و سیادت را از آن مسلمین نمایم. و با رفتارهای آلوده به افراط و تفریط، موجبات تفرقه و دلزدگی و بیزاری از دین را موجب نشویم.

## منابع

- قرآن کریم  
 نهج البلاغه  
 خمینی (ره)، احمد، ۱۳۸۴. دلیل آفتاب (خاطرات یادگار امام (ره)). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (ره)، روح الله، ۱۳۸۶ الف. تحریر الوسیله. بی جا.
- ، ۱۳۸۶ ب. شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ، (بی تا). تقریرات فلسفه. بی جا.
- ، ۱۳۸۳. آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ، ۱۳۸۷ الف. سر الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ، ۱۳۸۷ ب. شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ، ۱۳۸۷ ج. ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- (بی تا)، وصیت نامه سیاسی - الهی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جمعی از فضلا، ۱۳۶۴. سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام (ره). انتشارات پیام آزادی.
- رضایی مهر، حسن، (بی تا). "امام خمینی و نهضت احیای دینی".  
 دهخدا، علی اکبر: لغت نامه.
- صحیفه امام، ۱۳۸۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- عمید، حسن، ۱۳۸۴. فرهنگ فارسی عمید.
- مزروعی، علیرضا. بی تا. "رویگرد حداکثری امام (ره) به دین". روزنامه کیهان.